



پنبه کردن رشته‌های اتحاد

علی مطهری، نماینده ادوار مجلس در واکنش به توهین‌های مطرح‌شده در برنامه‌های تلویزیون در پی بیانیه جبهه اصلاحات، در گفت‌وگو با جماران گفت: «اصداوسما از یک طرف دم از اتحاد و انسجام ملی می‌زند و از طرف دیگر به پنهان‌بینانه یک گروه سیاسی همه رشته‌های اتحاد و انسجام را پنبه می‌کند» او ادامه داد: «اینابه‌ای که هم حرف‌های غلط داشت و هم حرف‌های درستی که زمان طرح آن نبود، شایسته این همه حمله و توهین نیست. پس آزادی بیان چه می‌شود؟»



آنها مشکوک هستند

منصور حقیقت‌پور، مشاور علی لاریجانی در گفت‌وگو با خبرآنلاین در پاسخ به این پرسش که چه‌ر نفوذی‌ها چگونه است، گفت: «نفوذی‌ها توان‌دار هر شکل و پوششی ظاهر شود؛ ممکن است فردی با عمامه و محاسن باشد، یا کراوات بزند، حتی ممکن است با چادر یا بی چادر ظاهر شود. بنابراین نمی‌توان قالبی مشخص برای آن‌ها تعیین کرد، بلکه هر فردی که حرکتی علیه نظام و منافع کشور هدایت کند، مشکوک است و باید ریشه آن بررسی شود.»

او ادامه داد: «امروز کشور در ریل عقابیت قرار دارد و مردم نیز آگاه‌تر از گذشته شده‌اند. جریان‌های تندرو تنها سه تا چهار درصد رأی دارند و بیش از این نخواهند داشت. مردم چهارده‌هوشیار باشند؛ آن‌هایی که در انقلاب جلوتر حرکت می‌کنند و شعارهای تندتر می‌دهند، مشکوک هستند، همان‌طور که کسانی که عقب می‌افتند نیز مشکوک هستند. هر کس که در سایه پرچم انقلاب اسلامی، امام و رهبری حرکت کند، در مسیر انقلاب است.»

هیچ کسی در ایران سرمایه‌گذاری نمی‌کند، به‌گونه‌ای خواهیم سیاست توسعه را در کشور پیش ببریم. توسعه یعنی اینکه به جای آنکه فقط بچوریم و حداقل نیازها را تأمین کنیم، بتوانیم کشور را به یک مرحله جدید برسانیم و با سرمایه‌گذاری شرایط بهتری برای آن رقم بزنیم. حتی در دوران جنگ که خیلی وضع اقتصادی ما خوب نبود و در کنار آن مه‌مه‌بندی و کوپن داشتیم کلی توانستیم سرمایه‌گذاری داشته باشیم. در صنایع سنگین که من در آن حضور داشتم، اختتام آذربایجان، مس باهنر، ریختگری فولاد در ساوه انجام گرفت و ده‌ها طرح بزرگ و متوسط شروع و اجرا شد و بعضاً سرمایه خارجی در آن صورت گرفت. ما در آن دوره در ساخت موتور دیزلی اتوبوس و کامیون به خودکفایی رسیدیم؛ آن هم با سرمایه‌گذاری بزرگی که خارجی‌ها در آن نقش داشتند. آن زمان کشورهای مختلف از جمله آلمان در ایران سرمایه‌گذاری کرده بودند. پس این موضوع در گرو حل آن مشکل است. ما آن زمان جنگ با عراق داشتیم و ششوی، فرانسو و انگلیس به عراق کمک می‌کردند البته آمریکا به عراق کمک نظامی نکرد و به‌عزم اینها ما بادیا در جنگ نبودیم و حتی با همان فرانسه که به عراق کمک می‌کرد ارتباط داشتیم.

یعنی منظور آن این است که دولت با این مذاکراتی که شروع کرد تلاش داشت به مسیر توسعه وارد شود؟

بله مذاکره خودش شروع مسیر است و من هم معتقد به مذاکره همه‌جانبه هستم که در آن درباره مسائل اقتصادی صحبت کنیم. بعضی دوستان ما قبل از این جنگ ۱۲ روزه با برخی سرمایه‌گذاران خارجی شرکت و از طریق آنها با برخی سرمایه‌گذاران آمریکایی تماس گرفته بودند و قرار گذاشته شده بود که ببینند درباره توسعه راه‌ها و راه‌آهن و فرودگاه مهم دیگر سرمایه‌گذاری کنند. متأسفانه این جنگ همه این موارد را هم به هم زد. تا جایی که می‌دانم یعنی آنها مجوز ننگره آمریکا را هم گرفته بودند.

برای سوال پایانی، به نظر شما و با توجه به ارتباطات خودتان، نظر مردم درباره دولت آقای پزشکian نسبت به سال گذشته بهتر شده یا بدتر؟

مردم به نتیجه توجه دارند. ببینید وقتی در دولت پزشکیان گرانی کمتر نشده است و گرانی دربراه حمله نظامی و جنگ و... بیشتر شده است؛ از طرف دیگر مطمئناً خیلی‌ها نمی‌توانند تجزیه و تحلیل کنند که چقدر وضعیت موجود به آقای پزشکیان مربوط هست و چقدرش مربوط نیست با چقدر آن مربوط به آن طرف است و چقدر به طرف ما ربط دارد؛ بنابراین با توجه به اینکه من نظر سنجی‌های چندانی ندیدم، ولی بر اساس آنچه که دیدم نظر مردم خوب نبود، این بد بودن نظر مردم هم به خاطر مثلاً مسائلی که ما روشن‌فکران دغدغه‌مان است مثل آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر و... بلکه بیشتر به خاطر وضعیت بد معیشت است. چون وضع اقتصاد و معیشت خراب است. آن احساس رضایت ایجاد نمی‌شود و مردم هم عیبت نمی‌شود. مطمئناً اگر مذاکرات ما با اروپا و آمریکا جدی شود و نتیجه‌اش تحولات اقتصادی در کشور باشد مردم مواضع‌شان خیلی تغییر می‌کند.

گرچه برخی معتقدند
ما باید جنگ دیگری
با اسرائیل داشته
باشیم که کار به یک
توقف آتش بس جدی
برسد. در این زمینه
نیروهای مسلح ما
نقش تعیین کننده‌ای
دارند؛ همانطور که
در تهاجم قبلی رژیم
اسرائیل، این نیروها
نقش تعیین کننده
داشتند اما ما نباید به
هیچ وجه از این نوع
اقدامات استقبال کنیم.

را باور نمی‌کرد. البته من را اینکه بر خی‌بزرگنمایی می‌کنند نیز موافق نیستیم. اینکه آقای می‌گوید ما توانایی این را داریم که برویم و نیویورک را ووشکباران کنیم. این‌ها رانمی‌دانم و البته کارشناس‌اش هم نیستیم اما خیلی این بزرگنمایی‌ها را مفید نمی‌انم و به‌نظر من تهاجمی‌بازدارنده نیست بلکه فکر می‌کنم که تحریک‌کننده به‌تجاوز است. اینکه ما بگوییم ترامپ را ازور می‌کنیم و از این جور سخنان بیان حکیم، اشتباه است. من چند سال پیش گفت‌وگوها را می‌نمودم در سطوح بالایی حاکمیت، اسرائیل. چند سال پیش من در مصاحبه‌ای این را گفته‌م که در دفتر فلان سردار جاسوس اسرائیلی بوده و دعاش می‌کردند. من این را از پچه‌های بند ۳۵۰ اوین شنیده بودم. البته من در بند ۲۷ زندان بودم. آنها گفته بودند که یک نفر که جاسوس اسرائیل در دفتر فلان سردار بوده را برده و اعدام کردند. با گفتن این صحبت، آن سردار از من شکایت کرد و رفتم بازپرسی و دوسه جلسه هم بازپرسی انجام گرفت. بعد از آن دیدم خبری نشد و به‌آقای دکتر نیکیخت که وکیل پرکار و به‌صورت مجانی پیگیری کارمان است؛ گفتم: «ببینید چه شد؟ قرار بازداشت یا قرار تعقیب و پیگرداریم صادر نشد؟» رفت و پیگیری کرد و گفت: «قرار منع تعقیب صادر شده است.» من صحبت‌م تحلیلی بود و حالا هم همین‌گونه می‌گویم ما ناهفته‌در حوزه اطلاعات و امنیت عوامل نفوذی ردبلا داریم بلکه در حیطه سیاسی هم همین است و خطی می‌دهند که مثلاً بروید ترامپ را ازور کنید. این‌ها محصول نفوذ سیاسی است که متأسفانه در جمهوری اسلامی خیلی خطرناک و خیلی غیر قابل قبول است.

۵۹ هم مطرح بود؟

اصلاً موقع چنین تصویری وجود نداشت: آن هم در رابطه با رده‌های بالایی حاکمیت و عوامل تأثیرگذار در تصمیم‌سازی‌های کشور. اگر هم بپذیریم اندیشمندی و چنین احساسی را نداشتیم، اما آن از چندین سال قبل چنین احساسی را داشتیم و حتی بعد از این جنگ هم کاملاً این احساس را دارم که چنین نفوذی وجود دارد و نفوذ سیاسی را حتی خطرناکتر از اطلاعاتی و امنیتی می‌دانم. زیرا آن نفوذ اولی، فرماندهان نظامی و دانشمندان سیاسی را به‌شدت می‌کشد و این نفوذ سیاسی با تصمیم‌گیری‌های غلط منجر به نابودی کشور می‌شود.

شما از تفاوت جنگ عراق و ایران و جنگ اسرائیل و ایران گفتید. از تجربه مدیریت جنگ ۸ ساله می‌شد در جنگ ۱۲ روزه استفاده کرد و یا اگر خدایی ناکرده جنگ دیگری پیش بیاید، از تجربه آن جنگ می‌شود استفاده کرد؟

بنییدن من برخی موارد را قبل از دولت آقای پرنسکیان و حتی در دولت ایشان گفتم؛ مثلاً سیاست‌های اقتصادی ما باید عین همان دوره باشد؛ یعنی معتقدم در شرایط کنونی سهمیه‌بندی کالا باید اتفاق بیفتد. من هر ۸،۷، ۱۰ روز به خرید می‌روم آن هم بازار روز شهرداری و شهرپروند و فیش آنها را هم مقایسه می‌کنم. هر دفعه قیمت ۲۰ تا ۳۰ درصد اضافه شده است. من چون بیماری قند دارم باید نان شست قهوه‌ای بخرم معمولاً از جاهای معتبر با نرخ رسمی آن را خریداری می‌کنم. قبل از رفتن در ۱۲ خرداد بسته این نان با چند بار افزایش قیمت ۵۵ هزار تومان بود و ۴۱ روز بعد که برگشتیم شده بود ۹۵ هزار تومان. یعنی نان ۴۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده بود. البته آنچه که من درباره سهمیه‌بندی می‌گویم به کار این نان و من نمی‌آید چون باید آن را با دیگران. اما من گفتم برای اوراق عمومی مثل برخی باید جنین کرد. ما آن زمان اوراق را سهمیه‌بندی می‌کردیم و از برخی دستاورد اسلوگرای آن زمان خودمان فحش آن را هم می‌خوردیم. آن‌ها می‌گفتند که «شما کمونیستید عاشق کمونیستید» اما من الان هم که آنقدر محافظه کار شدم معتقدم که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت نیاز به سهمیه‌بندی کالاهای مهم و ضروری کشور با نرخ ثابت و محدود داریم. این بحث‌هایی که یارانه به ۷۰ درصد بدهیم و به ۳۰ درصد ندهیم همین خودش روزنه‌ای است که کار خوب پیش نرود. عملاً هم به ۷۰ درصد یارانه می‌دهیم و هیچ اثری ندارد. اگر می‌آمدیم با نرخ معین و پایین سهمیه‌بندی می‌کردیم، اینقدر دولت هزینه نمی‌داد و فقط همین بود که آن کوپن، کالای را ارزان به مردم می‌داد. همه هم کوپن می‌گرفتند و آن ۳۰ درصد که صدای بلندتری دارند، چون به آن‌ها هم کوپن تعلق می‌گرفت، صدایشان به جایی نمی‌رسید. در آن موقع ما نگذاشتیم نرخ نان بالا برود که الان مسافانه نرخ آن بالا می‌رود. آن زمان اوراق عمومی و نیازهای مردم را با سهمیه‌بندی توزیع می‌کردیم. مثلاً برخی سهمیه‌بندی‌ها محله‌ای بود. دفتر بسیج درست کردیم و بنابر آن کرد و ما مستند بود. از طریق این دفتر بسیج توزیع می‌کردیم. بنابراین من معتقدم که تجربه اقتصادی جنگ ۸ ساله کاملاً مورد نیاز و قابل استفاده در دوران فعلی است.

۴ الان که بحث کالایرگ مطرح شده و چندبار بین مردم توزیع کردند؛ نظرتان درباره این برنامه چیست؟

کالابرگ همان کوپن است که اسمش عوض شده است اما آنچه که توزیع شده متفاوت است. این را به برخی از دهکها داده اند و به همه نداده اند. من معتقدم باید سراسری بشود و کالاهایی که شدیداً مورد نیاز مردم است با نرخ کم در اختیار آنها گذاشته شود و نباید سوسپید نقدی بدهند، این سوسپید نقدی تورمزا است. به عبارتی باید قیمت کالاها را کم کنند و در اختیار مردم بگذارند. من به این برنامه با تجربه جنگ ۸ ساله، دولت شهید رجایی و اوایل دولت آقای موسوی معتقد هستم.

«به نظر شما آیا دولت با توجه به اینکه رویکرد توسعه‌گرایانه را مدنظر داشت، در این مسیر گام برداشته است؟ و آینده پیمودن همین مسیر با همین دست فرمان دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

بار دیگر باید این را بگویم که نگاه توسعه‌گرا در گرو تجدیدنظر در سیاست خارجی است. مبنای توسعه سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری بزرگی که در کشور باید شود سرمایه‌گذاری بزرگ خارجی است. چین که الان چنین کشوری شده است، اگر سرمایه خارجی به آن وارد نمی‌شد هیچی نبود. برای توسعه، سرمایه‌گذاری لازم است و برای سرمایه‌گذاری، بهبود روابط با دنیا لازم است. وقتی

داخلی مهم نیست؟

معلوم است که مهم است و باید از متوسط به بالا باشد. من از وزیر اقتصاد جدید شناختی ندارم ولی می گفتند انسان کارشناس و متخصصی است. درباره رئیس کل بانک مرکزی نیز شناختی ندارم اما به نظر من این افراد کاری از دستشان بر نمی آید. اینها در حال حاضر فقط باید به گونه ای اوضاع را در حالت سکون قرار دهند تا نتیجه جزیی حاصل شود. توجه کنید همین که مذاکرات با آمریکا شروع شد بلافاصله قیمت دلار سیر نزولی پیدا کرد و از حدود ۱۰۰ هزار تومان به حدود ۸۰ هزار تومان رسید و وقتی مذاکرات متوقف شد، سیر صعودی پیدا کرد. همین ها شواهدی است که نشان می دهد تجدیدنظر در سیاست خارجی چه قدر می تواند تاثیر گذار بر اصلاح اوضاع باشد و البته در این بین وزیر خوب یا وزیر بد چه کار می توانست بکند که مانع بالا رفتن دوباره قیمت دلار شود؟ رئیس کل بانک مرکزی خوب یا بد رئیس سازمان برنامه خوب یا بد، چه کار می توانستند بکنند که این روند تغییر نکند و سیر صعودی قیمت دلار اتفاق نیفتد؟

❗ موضوعی که در این بین مطرح می‌شود به‌ویژه از سمت مخالفان دولت این است که دولت می‌توانست با رویکردی متفاوت در سیاست خارجی مانع جنگ شود. آیا چنین ظرفیتی در دولت وجود داشت و انجام نشد؟

تا حالا همینی بود که دیدیم، آنچه که اتفاق افتاد محصول دولت چندماهه آقای پرنسکیان نبود و از دوران مرحوم آقای ریسی و حتی قبل از آن شروع شده بود. اقدامات علیه ایران را می‌خواستند شروع کنند و من حتی مشکوک هستم که آقای ریسی با یک توطئه اسرائیلی مهید شده باشد. چون او هم شروع به مذاکرات جدی با آمریکا در عمان کرده بود و آقای امیر عبداللهمان هم کارهای بدی نکرده بود و داشت به نتایجی می‌رسید اما همان موقع بالگرد آقای ریسی در بین سه بالگرد سقوط می‌کند و من آن را تصادفی نمی‌بینم، بنابراین امکان جلوگیری از این جنگ ۱۲ روزه به نظر من وجود نداشت. جمهوری اسلامی با آمریکا و با اروپایی‌ها در حال مذاکره بود و می‌خواست آن را ادامه بدهد و دور ششم به نظر من برای آمریکا بدین جهت شکست محصل سیاست‌های دار زد و تازیدن جمهوری اسلامی علیه جنگ اسرائیل بالاتر از همه و بیش از هر کشوری دنبال تجزیه ایران است و هدف نهایی آن تجزیه ایران است. هدف کوتاه‌مدت‌تر او سرنگونی رژیم ایران است و هدف کوتاه‌مدت‌تر از این دو جلوگیری از غنی‌سازی و توقف فعالیتهای هسته‌ای است. در سومی اروپایی‌ها و آمریکا کاملاً با اسرائیل هم‌موضع هستند و اسرائیل خودش را توانست در کنار آنها قرار دهد و حمله ۱۲ روزه و تهاجم به ایران را انجام دهد. اما درباره سرنگونی رژیم و تجزیه ایران من تحلیلی می‌گویم (بنه آنکه اطلاعات داشته باشم)، بعید می‌دانم نظر موافق اروپا و آمریکا را داشته باشد. بنابراین مذاکره با آمریکا می‌تواند این مشکل را هم حل کند و جلوی جنگ جدید را بگیرد. هر چه یک معتقد من باید جنگ دیگری را در نظر داشته باشم که کار به یک توقف آن‌دش جدی برسد. در این زمینه نیروهای مسلح ما نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ به‌علاوه که در تهاجم قبلی رژیم اسرائیل این نیروها نقش تعیین‌کننده داشتند اما نباید به هیچ وجه از این نوع اقدامات استقبال کنیم.

شما در جنگ عراق و ایران به عنوان عضوی از دولت حضور داشتید. شباهتی بین این جنگ و جنگ عراق و ایران می‌بینید؟

من اصلاً جنگ ۱۲ روزه را قابل مقایسه با جنگ ایران و عراق نمی‌دانم. چراکه جنگ ایران و عراق یک جنگ کلاسیک بود، من آن زمان سعادت آباد خانه داشتم و بغل خانمها خرابه ای بود و وقتی جنگ شروع شد ما با کمک همسایه ها پول جمع کردیم و سفارش دادیم که دو تا لاد بثنی بزرگ برایمان ساختند. بعد بیل مکانیکی و بولدوزر آوردیم و خرابه را برایمان کنند، آن دال ها را در خرابه گذاشتیم، خاک بر آن ریختیم و در گذاشتیم و همین پناهگاه اهل محل شد. آن موقع وقتی می خواست عراق حمله کند، حمله ها کلاسیک بود؛ کاملاً رادارهای ما می فهمیدند، آژیر از رادیو و تلویزیون پخش می شد و همه ما به پناهگاه می رفتیم. این دوره جنگ سباحتی با آن دوره ندارد، جنگ، جنگ تکنولوژی، عوامل نفوذی و... بود. چنانچه می بینیم در یک روز چندین فرمانده عزیز سپاه ما را شهید کردند، من سردار رشید و سردار باقری را می شناختم و درباره سردار کاظمی شناختی نداشتم اما از عملکردش احساس می کردم هم از رئیس سابق اطلاعات سپاه عملکرد بهتری داشت و هم از حتی وزارت اطلاعات دولت فعلی. ما در این جنگ در اول تعداد زیادی از دانشمندان هسته ای و فرماندهان عالی رتبه را از دست دادیم، قبلاً فرماندهان ما به جبهه می رفتند و در مقدم شهید می شدند و تهران چنین اتفاقاتی نمی افتاد. به هر حال این دو جنگ قابل مقایسه نیستند.

این دولت در کنار ترورها و درگیری‌های معمول با اسرائیل جنگ ۱۲ روزه را تجربه کرد. شرایط مدیریت بحران جنگ با عراق در قیاس با مدیریت بحران در این ۱۲ روز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۱۲ من خرداد برای دین فرزندانم به خارج از کشور رفته بودم. یکی از فرزندانم غیابی به ۶ سال زندان محکوم شده است و اگر به ایران بیاید او را می‌گیرند و دیگری به خاطر نگرانی از اینکه نتواند برگردد، به ایران نمی‌آید. از این سوسن هم ممنوع‌الخروج هستم و بالاخره با کلی مکاتبات و بدون اینکه پیش‌بینی از جنگ داشته باشیم در ۱۲ خرداد توانستم به همراه همسرم به ژنی بروم و فرزندانم را ببینم. ۲۴ خرداد پرواز برگشت ما بود که ۲۳ خرداد جنایت اسرائیل با حمله به تهران شروع شد و تمام پروازها بسته شد. این سفر طولانی‌ترین سفر خارج از کشور من؛ چه در قبل از انقلاب و چه بعد از پیروزی انقلاب بود. من قبل از انقلاب از دوره دانشجویی ممنوع‌الخروج بودم تا پیروزی انقلاب و بعد از انقلاب با ماوریت دولتی چند روزی می‌رفتم. بعد از سال ۱۳۸۸ دوباره ممنوع‌الخروج شدم. دامن فضای داخل را در آن درجگاه ۱۲ روزه لمس نکردم و نمی‌توانم قضاوت کنم: اما دواستان را در آن جنگ عملکرد دولت می‌گویند که به نبوده است. در این بین عملکرد نظامی ما خیلی خوب بود و حتی شاید اسرائیل این گونه عکس‌العمل‌های ما

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد-سری (۶۴۷) جمعی

مجری شده از پلاک شماره «۲۰۴» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خودمقاضی»
۵- تقاضای «حامد نظری» فرزند «مهرعلی» نسبت به «اششادانگ زمین مزروعی» بمساحت «۹۵'۱۷۷۸۶» مترمربع مجری شده از پلاک شماره «۱۱۹۷» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خودمقاضی»

۶- تقاضای «حامد نظری» فرزند «مهرعلی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزرروعی» بمساحت «۳۹۱'۵» مترمربع مجری شده از پلاک شماره «۱۱۹۹» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۷- تقاضای «حامد نظری» فرزند «مهرعلی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۱/۳۱۴» مترمربع محزی شده از پلاک شماره «۱۲۵۰» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۸- تقاضای «حامد نظری» فرزند «مهرعلی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۲۷۷/۷۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۹۸» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خودمقاضی»

۹- تقاضای «حامد نظری» فرزند «مه‌رعلی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۹۶۹۱» مترمربع مجری شده از پلاک شماره «۱۱۹۶» فرعی از «۷۱» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی» ۱۰- تقاضای «ماشاءاله مرادی کمالی» فرزند «ابراهیم»

نسبت به «یک دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» و «آقای علی مرادی» فرزند «ابراهیم» نسبت به «یک دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» و «خانم مریم قاضی» فرزند «عبدالرحمن» نسبت به «۷۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۵، ۷۲۹۵»

مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۴۹۵» فرعی از «۵۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

فرشاد بازوندی نژاد - رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد

تور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان شته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی ماه اعتراض خود را کتبی به اداره ثبت اسناد و تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع ثبتی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت ثبت نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست ناموکی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مرور به دادگاه نیست.

رنوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۱۹
رنوبت دوم: ۱۴۰۴/۶/۳
میدهن

«آقای حمید کاکائیان» فرزند «محمد» نسبت به یک قطعه باغ» بمساحت «۹۵'۲۴۰» مترمربع از پلاک شماره «۳۷۵» فرعی از «۴۸» اصلی واقع خروجی از مالکیت مالک اولیه «مظفر نادری» «آقای جان محمد بیرانوند» فرزند «صید» «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۰۶» مترمربع مجری شده از پلاک شماره «۲۰۶» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت «خود متقاضی»

«آقای جان محمد بیرانوند» فرزند «صید»
 «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت
 مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۲۵۵)
 «اصلی واقع در بخش (۵) خروجی از مالکیت
 «خود متقاضی»

«آقای جان محمد بیرانوند» فرزند «صید» نسبت
 ۶۲۲۳'۷۹ متر مربع

شناسه آگهی: ۱۹۷۹۳۱۵